University of Tehran Press

Private Law
Home Page: https://jolt.ut.ac.ir

Online ISSN: 2423-6209

Managers' Obligation to Transparency in Iranian and French Law: A Functional Comparative Study with Emphasis on the Duty of Loyalty and Legal Transplantability

Ali Askari[1*] | Ahmad Shahniaai[2]

1. Corresponding Author, Institute for Management and Planning studies (IMPS) Tehran, Iran. E-mail: Aliaskari@hotmail.fr
2. The Institute for Management and Planning Studies (IMPS) Tehran, Iran. E-mail: A.shahniaai@imps.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:
Received: September 12, 2026
Revised: October 03, 2026
Accepted: October 07, 2026
Published online: 14 November 2026

Keywords:
Fiduciary responsibility,
commercial company,
board of directors, information
fiduciary obligation.

ABSTRACT

Transparency serves as a fundamental pillar of corporate governance, mitigating information asymmetry between managers and stakeholders. In modern legal systems, the obligation of transparency is increasingly recognized not merely as an administrative requirement, but as a core manifestation of managers' fiduciary duties and the duty of loyalty. This research investigates the theoretical and legal foundations of managerial transparency, employing a descriptive-analytical and functional comparative approach to examine Iranian and French law. While both systems emphasize information disclosure, the study reveals that French law offers a more coherent framework, characterized by comprehensive legislative reforms, judicial precedents, and robust enforcement mechanisms. Conversely, the Iranian legal system suffers from regulatory fragmentation, conceptual ambiguity, and weakened supervisory oversight. The findings suggest that integrating French legal capacities—specifically through more explicit statutory obligations and enhanced enforcement remedies—could significantly bolster investor confidence and managerial accountability within the Iranian corporate landscape.

Cite this article: Askari, A. & Shahniaai, A. (2026). Managers' Obligation to Transparency in Iranian and French Law: A Functional Comparative Study with Emphasis on the Duty of Loyalty and Legal Transplantability. *Private Law*.23 (1), 47-59. http//doi.org/10.22059/jolt.2026.422120.1007507

© Authors retain the copyright and full publishing rights.
Publisher: University of Tehran Press.
DOI: http//doi.org/10.22059/jolt.2026.422120.1007507

انتشارات دانشگاه تهران

حقوق خصوصی

سایت نشریه: https://jolt.ut.ac.ir

شاپا الکترونیکی: ۶۲۰۹-۲۴۲۳

تعهد مدیران به شفافیت در حقوق ایران و فرانسه (مطالعه‌ای تطبیقی ـ کارکردی با تأکید بر وظیفهٔ وفاداری و امکان بومی‌سازی)

علی عسکری[۱*] | احمد شهنیایی[۲]

۱. نویسندهٔ مسئول، دکتری حقوق خصوصی. مؤسسهٔ عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی تهران، ایران. رایانامه: Aliaskari@hotmail.fr

۲. عضو هیئت علمی مؤسسهٔ عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران، ایران. رایانامه: A.shahniaai@imps.ac.ir

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:
تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۶/۲۱
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۷/۱۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۷/۱۵
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۸/۲۳

کلیدواژه:
حاکمیت شرکتی،
شفافیت،
مدیران شرکت،
مسئولیت امانی،
وظیفهٔ وفاداری.

چکیده

شفافیت یکی از ارکان بنیادین حاکمیت شرکتی و از مهم‌ترین ابزارهای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی میان مدیران و ذی‌نفعان شرکت است. در نظام‌های حقوقی معاصر، تعهد مدیران به شفافیت فراتر از یک الزام اداری یا مالی تلقی شده و به عنوان یکی از جلوه‌های مسئولیت امانی و وظیفهٔ وفاداری مدیران بدان توجه شده است. با وجود اهمیت این موضوع، در حقوق ایران مفهوم تعهد مدیران به شفافیت به صورت یک نهاد حقوقی مستقل و منسجم تبیین نشده و مقررات مرتبط با آن در قوانین و مقررات مختلف پراکنده است. در مقابل، حقوق فرانسه با بهره‌گیری از اصلاحات تقنینی، رویهٔ قضایی، و مقررات اتحادیهٔ اروپا چارچوبی نسبتاً جامع برای الزام مدیران به شفافیت و پاسخگویی ایجاد کرده است. پژوهش حاضر با هدف تبیین مبانی نظری و حقوقی تعهد مدیران به شفافیت و بررسی تطبیقی قلمرو، سازکارهای اجرایی، و ضمانت اجراهای آن در حقوق ایران و فرانسه انجام شده است. این پژوهش، با استفاده از روش توصیفی ـ تحلیلی و رویکرد تطبیقی ـ کارکردی، منابع قانونی و دکترین حقوقی و رویه‌های اجرایی دو نظام حقوقی را مطالعه کرده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه هر دو نظام حقوقی بر ضرورت افشای اطلاعات و حمایت از حقوق ذی‌نفعان تأکید دارند، در حقوق فرانسه، تعهد به شفافیت به عنوان بخشی از وظیفهٔ وفاداری مدیران از انسجام مفهومی و دامنهٔ گسترده‌تر و ضمانت اجراهای مؤثرتری برخوردار است. در مقابل، حقوق ایران با چالش‌هایی همچون پراکندگی مقررات، ابهام در حدود تعهدات مدیران، و ضعف نسبی سازکارهای نظارتی مواجه است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که بهره‌گیری از برخی ظرفیت‌های حقوق فرانسه از جمله تبیین صریح‌تر تعهد مدیران به شفافیت، تقویت نظام نظارتی، و توسعهٔ ضمانت اجراهای مؤثر می‌تواند در ارتقای حاکمیت شرکتی، افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران، و بهبود پاسخگویی مدیران در نظام حقوقی ایران مؤثر باشد.

استناد: عسکری، علی و شهنیایی، احمد (۱۴۰۵). تعهد مدیران به شفافیت در حقوق ایران و فرانسه (مطالعه‌ای تطبیقی ـ کارکردی با تأکید بر وظیفهٔ وفاداری و امکان بومی‌سازی). *حقوق خصوصی*، ۲۳ (۱) ۴۷-۵۹.

http//doi.org/10.22059/jolt.2026.422120.1007507

© نویسندگان.
ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
DOI: http//doi.org/10.22059/jolt.2026.422120.1007507

مقدمه

شفافیت در دهه‌های اخیر از یک اصل مدیریتی به یکی از الزامات بنیادین حقوق شرکت‌ها و حاکمیت شرکتی تبدیل شده است. گسترش بازارهای سرمایه، بین‌المللی شدن فعالیت‌های اقتصادی، پراکندگی مالکیت، و تشدید جدایی میان مالکیت و مدیریت اهمیت دسترسی به اطلاعات صحیح و کامل و به‌هنگام را دوچندان کرده است. تجربهٔ بحران‌ها و رسوایی‌های مالی، به‌ویژه فروپاشی انرون و بحران مالی جهانی ۲۰۰۸، نشان داد که ضعف در افشای اطلاعات و ناکارآمدی سازکارهای نظارتی می‌تواند، فراتر از تضییع حقوق سهامداران، اعتماد عمومی و ثبات بازارهای مالی را نیز تهدید کند. از این منظر، شفافیت نه صرفاً یک الزام گزارشگری، بلکه یکی از پایه‌های پاسخگویی مدیران و کارایی نظام حاکمیت شرکتی است.

در این میان، مدیران به دلیل دسترسی گسترده‌تر به اطلاعات مالی و عملیاتی و راهبردی شرکت نقش محوری در تحقق شفافیت دارند. تعهد آنان به ارائهٔ اطلاعات مؤثر و پرهیز از پنهان‌سازی واقعیت‌های مالی و مدیریتی را نمی‌توان صرفاً در قالب یک تکلیف اداری بررسی کرد؛ بلکه این تعهد با مسئولیت امانی و وظیفهٔ وفاداری و ضرورت حمایت از منافع شرکت و ذی‌نفعان آن ارتباط مستقیم دارد. از منظر نظریهٔ نمایندگی نیز شفافیت یکی از مهم‌ترین ابزارهای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه‌های نمایندگی و از الزامات تحقق نظارت مؤثر بر عملکرد مدیران محسوب می‌شود.

با وجود این، جایگاه و مبنای حقوقی تعهد مدیران به شفافیت در نظام‌های حقوقی یکسان نیست. در برخی نظام‌های حقوقی، به‌ویژه فرانسه، شفافیت به‌تدریج از الزامات محدود افشای اطلاعات مالی فراتر رفته و در ارتباط با وظیفهٔ وفاداری مدیران، الزامات گزارشگری غیر مالی، و سازکارهای نظارتی توسعه یافته است. در مقابل، در حقوق ایران، اگرچه مقررات متعدد در لایحهٔ قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، قانون بازار اوراق بهادار، و مقررات سازمان بورس و اوراق بهادار مصادیق مختلفی از الزامات افشا و اطلاع‌رسانی را پیش‌بینی کرده‌اند، مفهوم «تعهد مدیران به شفافیت» همچنان به صورت یک نهاد حقوقی مستقل و منسجم صورت‌بندی نشده است. پراکندگی مقررات، ابهام در حدود مسئولیت مدیران، و ضعف نسبی برخی ضمانت اجراها از چالش‌های مهم این حوزه به شمار می‌رود.

بررسی پیشینهٔ پژوهش نیز نشان می‌دهد که مطالعات داخلی عمدتاً بر افشای اطلاعات، حاکمیت شرکتی، مسئولیت مدیران، و کارایی بازار سرمایه متمرکز بوده‌اند و کمتر به شفافیت به عنوان یک تعهد مستقل حقوقیِ مرتبط با مسئولیت امانی و وظیفهٔ وفاداری پرداخته‌اند. در مطالعات تطبیقی نیز به تحلیل کارکردی تعهد مدیران به شفافیت و مقایسهٔ هم‌زمان مبانی، قلمرو، سازکارهای اجرایی، و ضمانت اجراهای آن در حقوق ایران و فرانسه کمتر توجه شده است. در نتیجه، خلأیی پژوهشی در تبیین ماهیت حقوقی این تعهد و ارزیابی ظرفیت‌های حقوق ایران برای بهره‌گیری از تجربهٔ فرانسه وجود دارد.

اهمیت این مقایسه از آن جهت بیشتر است که نظام حقوق تجارت ایران در شکل‌گیری تاریخی خود از حقوق فرانسه تأثیر پذیرفته است. با این حال، اقتباس حقوقی زمانی می‌تواند کارآمد باشد که ضمن شناسایی قابلیت‌های الگوی مورد مطالعه تفاوت‌های نهادی و اقتصادی دو نظام نیز مورد توجه قرار گیرد. بنابراین، مسئلهٔ اصلی پژوهش حاضر صرفاً مقایسهٔ مقررات شفافیت در دو کشور نیست، بلکه شناسایی مبانی حقوقی تعهد مدیران به شفافیت، تعیین نسبت آن با وظیفهٔ وفاداری و مسئولیت امانی، و بررسی امکان بهره‌گیری از تجربهٔ فرانسه در جهت تکامل چارچوب حقوقی ایران است.

بر این اساس، پژوهش حاضر با روش توصیفی- تحلیلی و رویکرد تطبیقی- کارکردی درصدد پاسخ به این پرسش اساسی است که تعهد مدیران به شفافیت در حقوق ایران و فرانسه از چه مبانی و ماهیتی برخوردار است و چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی در قلمرو، سازکارهای اجرایی، و ضمانت اجراهای آن وجود دارد؟ همچنین این پرسش بررسی می‌شود که کدام عناصر الگوی حقوقی فرانسه، با لحاظ اقتضائات نظام حقوقی ایران، قابلیت بهره‌برداری و بومی‌سازی دارند؟ فرضیهٔ پژوهش آن است که در حقوق فرانسه پیوند منسجم‌تر میان شفافیت، وظیفهٔ وفاداری مدیران، الزامات گزارشگری، و نظارت نهادی به شکل‌گیری چارچوب مؤثرتری برای تحقق شفافیت انجامیده است. بنابراین، برخی عناصر این الگو، با رعایت الزامات حقوقی و نهادی ایران، می‌توانند در تقویت پاسخگویی مدیران و ارتقای حاکمیت شرکتی مورد استفاده قرار گیرند.

پژوهش حاضر از این رهگذر می‌کوشد، ضمن تبیین جایگاه حقوقی شفافیت مدیریتی در دو نظام، خلأهای موجود در حقوق ایران را شناسایی و زمینهٔ ارائهٔ راهکارهای اصلاحی برای تقویت مسئولیت‌پذیری مدیران، حمایت از ذی‌نفعان، و افزایش اعتماد به نظام حاکمیت شرکتی را فراهم سازد. در همین زمینه، مقاله در دو بخش اصلی تنظیم شده است. بخش نخست به بررسی مبانی نظری و مفهومی تعهد مدیران به شفافیت، تبیین جایگاه آن در حاکمیت شرکتی، و تحلیل وضعیت این تعهد در حقوق ایران اختصاص دارد. در بخش دوم، نظام حقوقی فرانسه از حیث مبانی، قلمرو، سازکارهای اجرایی، و ضمانت اجراهای مرتبط با شفافیت مدیران بررسی می‌شود و سپس با رویکردی تطبیقی- کارکردی شباهت‌ها، تفاوت‌ها، و ظرفیت‌های بهره‌گیری از تجربهٔ فرانسه برای تکامل چارچوب حقوقی ایران تحلیل می‌شود. در پایان نیز نتایج پژوهش جمع‌بندی و پیشنهادهای اصلاحی ارائه می‌شود.

مبانی نظری و مفهومی

شفافیت به عنوان اصل راهبری شرکت‌ها: تعریف، الزامات، محدودیت‌ها

شفافیت در حقوق شرکت‌ها مفهومی بنیادین و کارکردی است که افزون بر ریشه‌های حقوقی همچون سازکاری برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و تقویت مسئولیت امانی مدیران عمل می‌کند. از منظر لغوی، شفافیت به معنای فقدان حجاب و مانع در برابر اعمال و تصمیمات است، به گونه‌ای که ذی‌نفعان بتوانند به اطلاعات مرتبط دسترسی داشته باشند. در حقوق شرکت‌ها، شفافیت فراتر از افشای مقطعی اطلاعات و ناظر بر «روشن بودن مستمر اعمال و تصمیمات مدیران» است؛ به نحوی که سهامداران، بستانکاران، و سایر ذی‌نفعان امکان نظارت بر عملکرد مدیریتی را داشته باشند. از این منظر، شفافیت به کاهش هزینه‌های نمایندگی و اجرای مؤثر وظیفهٔ وفاداری مدیران کمک می‌کند. در حقوق فرانسه نیز شفافیت در کنار رازداری تجاری قرار گرفته و طی دهه‌های اخیر جایگاه آن در نظام حقوقی به طور چشمگیری تقویت شده است (Kessler, 2001: 33).

گسترش شفافیت در حقوق شرکت‌ها را می‌توان حاصل چهار تحول عمده دانست: نخست، انقلاب فناوری‌های ارتباطی و تسهیل گردش اطلاعات؛ دوم، گذار ساختارهای سازمانی از الگوهای سلسله‌مراتبی به ساختارهای شبکه‌ای و ماتریسی؛ سوم، حرکت از اقتصاد مبتنی بر بدهی به اقتصاد سرمایه‌محور و در نتیجه افزایش نیاز به افشای اطلاعات برای سهامداران؛ و چهارم، افزایش فشار سرمایه‌گذاران نهادی و تحول مقررات حاکمیت شرکتی. در نتیجه، شرکت‌ها به ارائهٔ اطلاعات معتبر، به‌هنگام، و ساختاریافته دربارهٔ راهبرد، ساختار حقوقی، توزیع قدرت، مدیران، و چشم‌انداز مالی ملزم شده‌اند. از دیدگاه اقتصادی، شفافیت اطلاعات شرط لازم برای تخصیص کارآمد منابع است. زیرا اطلاعات ناقص یا دستکاری‌شده می‌تواند به ناکارآمدی بازارها بینجامد.

با این حال، شفافیت مطلق نیز مطلوب نیست. حمایت از مالکیت فکری و صنعتی، حفظ اسرار تجاری، و صیانت از راهبردهای آیندهٔ شرکت مستلزم وجود محدوده‌ای از محرمانگی است. بنابراین، معیار مطلوب «شفافیت معقول» است؛ یعنی سطحی از افشا که رقابت عادلانه، نظارت، و پیشگیری از فساد را تأمین کند، بدون آنکه مزیت رقابتی یا انگیزهٔ نوآوری شرکت را تضعیف کند. مقامات عمومی نیز از شفافیت عمدتاً برای حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر از طریق الزامات افشا و نیز برای مقابله با تقلب و رفتارهای غیر قانونی استفاده می‌کنند.

در عمل، میان الزامات شفافیت بازار و ضرورت حفظ محرمانگی شرکت ممکن است تعارض ایجاد شود. ازاین‌رو، شفافیت، علاوه بر کارکرد حقوقی، ابزاری مدیریتی برای جلب اعتماد سرمایه‌گذاران، کارکنان، و مشتریان و نیز مدیریت بحران‌هاست. هرچند روند گسترش اطلاعات عمومی شرکت‌ها ادامه خواهد یافت، بخشی از فعالیت‌های شرکت همچنان باید در قلمرو سرّی باقی بماند. بر این اساس، شرکت‌ها نیازمند قواعد روشن برای تولید و پردازش و انتشار اطلاعات هستند و کارایی آیندهٔ آنان تا حد زیادی به مدیریت متوازن شفافیت و رازداری وابسته است (Kessler, 2001: 45).

تعهد به شفافیت در مرز میان حقوق سخت و حقوق نرم قرار دارد و با مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها نیز ارتباط مستقیم دارد. مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، در تعریف کمیسیون اروپا، مسئولیت شرکت نسبت به آثار فعالیت‌هایش بر جامعه است و در اصل

رویکردی داوطلبانه دارد که شرکت‌ها برای فراتر رفتن از الزامات حقوقی و تعامل با ذی‌نفعان اتخاذ می‌کنند (Mercier, 2018: 22). با این حال، اتکای صرف به حقوق نرم، از جمله منشور جهانی سازمان ملل، اصول OECD، و استاندارد ISO 26000 با محدودیت‌هایی مواجه شده و روندی به سمت تقویت الزامات الزام‌آور مسئولیت اجتماعی شکل گرفته است (Mercier, 2018: 24).

فرانسه از پیشگامان این تحول بوده است. الزام شرکت‌های بورسی به انتشار اطلاعات اجتماعی و زیست‌محیطی در قانون ۲۰۰۱ دربارهٔ مقررات جدید اقتصادی و سپس توسعهٔ الزامات «بیانیهٔ عملکرد غیر مالی» در سال ۲۰۱۷ موجب شد گزارش‌دهی غیر مالی از یک تکلیف شکلی به ابزاری برای مدیریت راهبردی تبدیل شود. در ادامه، قانون ۲۰۱۷ دربارهٔ «وظیفهٔ مراقبت» شرکت‌های مادر و سفارش‌دهنده رویکرد «از الزام به گفتن به الزام به انجام دادن» را تقویت کرد؛ به این معنا که شرکت‌های بزرگ علاوه بر گزارش‌دهی مکلف به تدوین و اجرای طرح مراقبتی برای پیشگیری از نقض حقوق بنیادین، آسیب‌های زیست‌محیطی، و مخاطرات سلامت و ایمنی در زنجیرهٔ ارزش شدند (Mercier, 2018: 24). این تحولات نشان‌دهندهٔ حرکت حقوق فرانسه و اتحادیهٔ اروپا از شفافیت داوطلبانه و صوری به سوی الزامات حقوقی همراه با مسئولیت و ضمانت اجراست.

شفافیت، به عنوان یکی از ارکان حاکمیت شرکتی، مستلزم افشای به‌هنگام و دقیق و کامل اطلاعات مالی، عملیاتی، مالکیتی، و راهبری است. در حقوق فرانسه، «تعهد به شفافیت» یا «وظیفهٔ شفافیت» بخشی از وظیفهٔ حرفه‌ای مدیران تلقی می‌شود و از قاعدهٔ حسن نیت و رویهٔ قضایی، به‌ویژه رأی ویلگرین مورخ ۲۷ فوریه ۱۹۹۶، تأثیر پذیرفته است. در این نظام، شفافیت جلوه‌ای از وظیفهٔ وفاداری است و از افشای موقت فراتر می‌رود. افشا اقدامی مقطعی است، حال آنکه شفافیت وضعیتی مستمر و ساختاری است؛ پاسخگویی نیز نتیجهٔ آن محسوب می‌شود. صداقت بیشتر جنبهٔ اخلاقی دارد، اما شفافیت ماهیتی حقوقی و ساختاری پیدا می‌کند.

با وجود این، افزایش گزارش‌دهی لزوماً به افزایش واقعی پاسخگویی نمی‌انجامد. گزارش‌دهی غیر مالی و کدهای رفتاری ممکن است در صورت وجود تعارض منافع، ابهام در توزیع مسئولیت، و تعارض روایت‌های مشروعیت به شفافیت صوری منجر شوند (Pras & Zarlowski, 2013: 18). از این منظر، سازکارهای پاسخگویی باید به عنوان فرایندهایی پویا و در تعامل با تحولات حقوقی، سیاسی، و اجتماعی تحلیل شوند (Pras & Zarlowski, 2013: 20).

تحول شفافیت در حقوق اقتصادی و مبانی تعهد به افشا

شفافیت یکی از اصول بنیادین حاکمیت شرکتی است که در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران، و پیشگیری از سوءاستفادهٔ مدیران نقش دارد (سکوتی و همکاران، ۱۴۰۵: ۱). در حقوق ایران، اگرچه «تعهد به شفافیت» به صورت مستقل و صریح در قانون تجارت پیش‌بینی نشده، مصادیق آن در لایحهٔ اصلاحی ۱۳۴۷، قانون بازار اوراق بهادار، و مقررات افشای اطلاعات سازمان بورس پراکنده است (سکوتی و همکاران، ۱۴۰۵: ۲). در حقوق فرانسه، شفافیت به‌تدریج جایگاهی برجسته‌تر یافته و در کمتر از بیست و پنج سال قوانین ساپن ۱ و ۲ با عنوان صریح «شفافیت زندگی اقتصادی» تصویب شده‌اند؛ هرچند هنوز این مفهوم در زمرهٔ اصول دارای ارزش اساسی قرار نگرفته است (Delaunay, 2018: 24).

شفافیت در حیات اقتصادی دو کارکرد اصلی دارد: نخست، ایجاد اعتماد از طریق مقابله با فساد و دوم، تقویت رقابت از طریق بهبود اطلاعات بازار (Delaunay, 2018: 27). قوانین ساپن با ایجاد سازکارهایی، مانند مرجع مبارزه با فساد و «قرارداد قضایی منافع عمومی»، شفافیت را در استراتژی پیشگیری و مقابله با فساد نهادینه کرده‌اند (Delaunay, 2018: 28). در حوزهٔ رقابت و قراردادهای عمومی نیز شفافیت وسیله‌ای برای تضمین عدم تبعیض و برابری فرصت‌هاست (Delaunay, 2018: 29). ازهمین‌رو، شفافیت به‌تدریج از مفهوم سنتی «انتشار رسمی» فراتر رفته و به عنصر اصلی الزامات اطلاع‌رسانی تبدیل شده است (Delaunay, 2018: 31–32).

با وجود این، شفافیت می‌تواند به ابزاری برای مداخلهٔ دولت در اقتصاد نیز تبدیل شود؛ هرچند در مواردی از آن برای محدود کردن مداخله و تفکیک فعالیت‌های رقابتی از غیر رقابتی استفاده می‌شود. بنابراین، شفافیت در حقوق فرانسه هم‌زمان ابزار اعتماد، عامل رقابت، جایگزین انتشار رسمی، و امکان‌دهندهٔ مداخلهٔ هوشمند دولت است (Delaunay, 2018: 33–34).

تعهد مدیران به شفافیت را می‌توان بر اساس سه چارچوب نظری اصلی تحلیل کرد: نظریهٔ نمایندگی، نظریهٔ مسئولیت امانی، نظریهٔ حاکمیت شرکتی (Jensen & Meckling, 1976: 308). این نظریه‌ها مبنای تحلیلی مناسبی برای مقایسهٔ تطبیقی کارکردی حقوق ایران و فرانسه فراهم می‌کنند (Gelter & Helleringer, 2015: 1075; Le Nabasque, 1999: 275).

بر اساس نظریهٔ نمایندگی، مدیران در جایگاه عامل و سهامداران در جایگاه اصیل قرار دارند و شفافیت با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی امکان نظارت مؤثر بر مدیران و کاهش هزینه‌های نمایندگی را فراهم می‌سازد (Jensen & Meckling, 1976: 308). در چارچوب مسئولیت امانی، مدیران نسبت به شرکت و سهامداران متعهد به وفاداری، منع تعارض منافع، و پرهیز از سوءاستفاده از موقعیت مدیریتی‌اند (Gelter & Helleringer, 2015: 1075). در این چارچوب، شفافیت یک الزام حقوقی است، نه صرفاً اخلاقی (Le Nabasque, 1999: 275).

در حقوق فرانسه، رویهٔ قضایی دیوان عالی این تعهد را به وظیفهٔ وفاداری پیوند داده است. رأی ویلگرین نمونهٔ مهمی است که پنهان کردن مذاکرات موازی دربارهٔ قیمت سهام را نقض وفاداری دانست و مدیر را مسئول جبران خسارت شناخت (Gelter & Helleringer, 2015: 1075; Le Nabasque, 1999: 275). از منظر نظریهٔ حاکمیت شرکتی نیز شفافیت متغیری کلیدی در ارتباط میان سازکارهای حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت است و از طریق کاهش عدم تقارن اطلاعاتی به بهبود نظارت و کارایی راهبری کمک می‌کند (Jensen & Meckling, 1976: 308; Gelter & Helleringer, 2015: 1075). بدین ترتیب، این سه نظریه مکمل یک‌دیگرند و شفافیت را از یک الزام اخلاقی به تعهدی حقوقی و ساختاری ارتقا می‌دهند.

قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۴، فصل پنجم خود را به اطلاع‌رسانی در بازارهای اولیه و ثانویه اختصاص داده است . مادهٔ ۴۵ مهم‌ترین مبنای قانونی الزام ناشران به افشای اطلاعات است و اطلاعاتی از جمله صورت‌های مالی سالیانه و میان‌دوره‌ای، گزارش هیئت مدیره، اظهارنظر حسابرس، و اطلاعات مؤثر بر قیمت اوراق بهادار را در بر می‌گیرد . مادهٔ ۴۰ نیز سازمان را به انتشار اطلاعات ثبت اوراق بهادار مکلف کرده و بند ۲ مادهٔ ۴۹ عدم افشای اطلاعات مهم را جرم‌انگاری کرده است.

دستورالعمل اجرایی افشای اطلاعات شرکت‌های ثبت‌شده نزد سازمان بورس، مصوب ۱۳۸۶، افشا را «ارسال اطلاعات به سازمان و انتشار عمومی و به‌موقع اطلاعات» تعریف کرده است. مواد ۷ تا ۲۱ این دستورالعمل افشای به‌موقع اطلاعات مالی و عملیاتی، تصمیمات هیئت مدیره، معاملات اشخاص وابسته، و اطلاعات نهانی را الزامی کرده‌اند (امجدیان، ۱۴۰۳: ۴). همچنین، لایحهٔ قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت ۱۳۴۷ در مواد مختلف، از جمله مواد ۹۸ و ۱۰۶، الزامات مرتبط با ارائهٔ مدارک مجامع و ثبت و انتشار صورت‌جلسات را مقرر کرده است. مادهٔ ۱۳۹ نیز حق اطلاع سهامداران از اوراق، دفاتر، و اسناد شرکت را به رسمیت شناخته است (عزیززاده و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۵۵ ـ ۲۵۶).

مواد ۱۴۸ و ۱۵۰ نظارت بازرس بر صحت صورت‌های مالی و ارائهٔ گزارش جامع به مجمع عمومی را مقرر می‌کنند. مادهٔ ۱۲۹ نیز مدیران را از انجام دادن معامله با شرکت بدون اجازهٔ هیئت مدیره منع و افشای منافع را الزامی کرده و مادهٔ ۱۳۲ امکان ابطال معامله را پیش‌بینی کرده است. ضعف ضمانت اجرای مادهٔ ۱۲۹ نیز از عواملی بوده که به تصویب لایحهٔ حمایت از سهامداران خرد در سال ۱۳۹۸ انجامید (عزیززاده و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۶۰).

مجموع این مقررات نشان می‌دهد که در حقوق ایران اگرچه تعهد مستقلی تحت عنوان «تعهد مدیران به شفافیت» وجود ندارد، عناصر آن در قالب حقوق اطلاعاتی سهامداران، گزارش‌دهی، نظارت بازرس، افشای معاملات مدیران، و الزامات اطلاع‌رسانی ناشران پراکنده شده است. ازاین‌رو، شفافیت در نظام ایران، بیش از آنکه تعهدی عام و مستقل باشد، مجموعه‌ای از تکالیف موضوعی با ضمانت اجراهای متفاوت است (سکوتی و همکاران، ۱۴۰۵: ۶).

در برخی نظام‌های حقوقی نیز شفافیت مالکیت ذی‌نفعانه توسعه یافته است. در ایالات متحده، سازکار گزارش‌دهی اطلاعات مالکیت ذی‌نفعانه با هدف کاهش سوءاستفاده از شخصیت حقوقی شرکت ایجاد شده و از سال ۲۰۲۴ بخش بزرگی از شرکت‌های مشمول را به ارائهٔ اطلاعات مالکیت ذی‌نفع به مرکز شبکه‌های جرم‌های مالی ملزم کرده است. مالک ذی‌نفع نیز فردی است که کنترل قابل توجهی بر شرکت دارد یا دست‌کم ۲۵ درصد منافع مالکیتی آن را در اختیار دارد.

در ایران نیز قوانین مرتبط با اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴، تبصرهٔ ۲۰ لایحهٔ بودجه ۱۴۰۲، و قانون شفافیت قوای سه‌گانه الزامات متنوعی برای افشای اطلاعات مالی، عملکردی، مالکیتی، و پرداخت‌های دولتی پیش‌بینی کرده‌اند (سکوتی و همکاران، ۱۴۰۵: ۷ ـ ۱۰؛ عزیززاده و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۶۵ ـ ۲۶۶). این الزامات، به‌ویژه در شرکت‌های دولتی و خصولتی، در جهت افزایش شفافیت و مقابله با فساد مالی قابل ارزیابی‌اند.

حق کسب اطلاع سهامداران از وضعیت شرکت از مهم‌ترین حقوق اطلاعاتی آنان محسوب می‌شود و مادهٔ ۱۳۹ لایحهٔ اصلاحی قانون تجارت نیز آن را به رسمیت شناخته است. با این حال، تعمیم این حق به سایر ذی‌نفعان فاقد مبنای صریح قانونی است. از منظر نظریهٔ ذی‌نفعان، دسترسی برخی ذی‌نفعان به اطلاعات قابل توجیه است، اما تعارض منافع آنان با سهامداران و ضرورت حفظ اسرار تجاری توسعهٔ این حق را دشوار می‌کند. سوءاستفاده از اطلاعات نهانی و حاکمیت رقابت بر شرکت از مهم‌ترین موانع محسوب می‌شوند و در این زمینه سه الگوی آزادی اطلاعات، آزادی قراردادی، و دسترسی به اطلاعات ثبت‌شده پیشنهاد شده است (عزیززاده و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۶۰ ـ ۲۶۵).

در حوزهٔ حقوق اقلیت نیز ساختار مبتنی بر اکثریت در شرکت‌های سهامی می‌تواند موجب کم‌رنگ شدن حمایت از سهامداران اقلیت شود. دعوای مشتق یکی از ابزارهای حمایت از شرکت و حقوق سهامداران است و مادهٔ ۲۷۶ لایحهٔ اصلاح قانون تجارت چارچوب اقامهٔ آن را مشخص کرده است (پاپی و نیک‌نژاد، ۱۴۰۰: ۳۳۲ ـ ۳۳۸). در حقوق ایران و فرانسه، سهامداران امکان اقامهٔ دعوای مشتق به نام و از طرف شرکت را دارند، هرچند ضعف پویایی رویهٔ قضایی و سکوت برخی مقررات داخلی حمایت عملی از اقلیت را محدود کرده است (پاپی و نیک‌نژاد، ۱۴۰۰: ۳۴۰ ـ ۳۴۲).

شفافیت مالکیت مؤثر نیز به شناسایی هویت ذی‌نفعان واقعی شرکت مربوط می‌شود (سکوتی و همکاران، ۱۴۰۵: ۱۱). از یک سو، حمایت از حریم خصوصی می‌تواند کارکردهای اقتصادی داشته باشد و از سوی دیگر پنهان ماندن ذی‌نفعان واقعی ممکن است زمینهٔ سوءاستفاده از شخصیت حقوقی شرکت را فراهم سازد. بر همین اساس، پیشنهاد شده است که ایران، با الهام از برخی تجارب خارجی، ماده‌ای مستقل برای «تعهد به شفافیت مدیران» وضع و گزارش‌دهی غیر مالی را به‌تدریج الزامی و استقلال نهاد ناظر را تقویت کند (سکوتی و همکاران، ۱۴۰۵: ۱۴).

شفافیت در نظام حقوقی ایران: از الزامات شکلی تا فقدان وظیفهٔ وفاداری جامع

در حقوق ایران، «تعهد به شفافیت» به عنوان نهادی مستقل و صریح در قوانین پیش‌بینی نشده و مصادیق آن در مقررات گوناگون پراکنده است. این الزامات عمدتاً از اصول امانت‌داری مدیران، حمایت از حقوق سهامداران، و ضرورت کاهش عدم تقارن اطلاعاتی ناشی می‌شوند. از این منظر، شفافیت بیشتر در قالب تکالیف شکلی و موضوعی ظاهر شده و هنوز بخشی از یک وظیفهٔ وفاداری جامع مدیریتی نیست.

لایحهٔ قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت ۱۳۴۷ مهم‌ترین منبع در این حوزه است. مواد ۹۸ و ۱۰۶ و ۱۲۹ به ترتیب ناظر بر ارائهٔ مدارک و گزارش‌ها به سهامداران، ثبت و انتشار صورت‌جلسات مجامع، و افشای منافع مدیران در معاملات با شرکت‌اند و مادهٔ ۱۳۲ نیز ضمانت اجرای ابطال معامله را مقرر کرده است. این مقررات عمدتاً ماهیتی شکلی و حمایتی دارند و به صورت صریح بر نظریهٔ وظیفهٔ وفاداری مبتنی نیستند.

برای شرکت‌های ثبت‌شده نزد سازمان بورس، دستورالعمل اجرایی افشای اطلاعات مهم‌ترین منبع مقرراتی است. این دستورالعمل در مواد ۷ تا ۲۱ افشای به‌موقع اطلاعات مالی و عملیاتی، تصمیمات هیئت‌مدیره، معاملات اشخاص وابسته، و اطلاعات نهانی را الزامی کرده است. اصلاحات این مقررات نیز بر کیفیت افشا و انتشار الکترونیکی اطلاعات تأکید دارند. با وجود این، شواهد تجربی نشان می‌دهد که کیفیت افشای اطلاعات در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس تهران همچنان متغیر است و عوامل مدیریتی، از جمله توانایی مدیران، بر سطح افشای گزارشگری پایداری اثر معنادار دارند (زحمت‌کش و همکاران، ۱۴۰۲: ۴۵). در نتیجه، پراکندگی مقررات و ضعف ضمانت اجراها سبب شده است شفافیت در حقوق ایران عمدتاً در سطح الزامات شکلی باقی بماند (سکوتی و همکاران، ۱۴۰۵: ۵ ـ ۶).

ابعاد و ضمانت اجراهای تعهد به شفافیت در حقوق ایران

ابعاد اصلی تعهد به شفافیت در حقوق ایران را می‌توان در افشای اطلاعات مالی، گزارش‌دهی به مجامع عمومی، و منع سوءاستفاده از اطلاعات محرمانه خلاصه کرد. مدیران موظف به تهیه و ارائهٔ صورت‌های مالی حسابرسی‌شده هستند و در شرکت‌های بورسی افشای اطلاعات میان‌دوره‌ای و فوری از طریق سامانهٔ کدال الزامی است. همچنین، قانون بازار اوراق بهادار و مقررات سازمان بورس استفادهٔ نامشروع از اطلاعات نهانی را ممنوع کرده‌اند.

ضمانت اجراها در سه سطح مدنی، کیفری، و انتظامی قابل بررسی است. در حوزهٔ مدنی، نقض الزامات افشا می‌تواند به عنوان تقصیر مدیریتی موجب مسئولیت و جبران خسارت شرکت یا سهامداران شود. در حوزهٔ کیفری، ارائهٔ اطلاعات نادرست و برخی رفتارهای مرتبط با اطلاعات نهانی جرم‌انگاری شده است. و در حوزهٔ انتظامی، نهاد ناظر می‌تواند اقداماتی از قبیل توقف معاملات، کاهش رتبهٔ ناشر، یا محدودیت در تصدی سمت‌های مدیریتی اعمال کند.

با وجود این، اجرای عملی ضمانت اجراها با چالش‌هایی مواجه است. هزینهٔ بالای دعاوی مدنی، ضعف فرهنگ سهامداری فعال، دشواری اثبات سوءنیت در برخی جرایم، و محدودیت‌های عملی اقدامات انتظامی اثربخشی نظام موجود را کاهش داده است. در شرکت‌های دولتی و خصولتی نیز تعارض منافع و مداخلات سیاسی می‌تواند اجرای مؤثر الزامات را مختل کند.

از منظر نظری این پژوهش، ضعف اجرای ضمانت اجراها نشان می‌دهد که شفافیت هنوز به طور کامل به عنوان جلوه‌ای از مسئولیت امانی مدیران نهادینه نشده است. در نتیجه، کارکردهای مورد انتظار نظریهٔ نمایندگی و حاکمیت شرکتی، از جمله کاهش هزینه‌های نمایندگی و تقویت نظارت، به طور کامل تحقق نمی‌یابد.

نظام شفافیت در حقوق شرکت‌ها

منابع قانونی، نهادی، و قضایی

در حقوق فرانسه، شفافیت از ارکان مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و حاکمیت شرکتی تلقی می‌شود و با مسئولیت شرکت در برابر آثار فعالیت اقتصادی آن بر جامعه و تعامل با ذی‌نفعان ارتباط دارد. گزارش‌دهی اجتماعی و زیست‌محیطی، به‌ویژه در حوزهٔ اقلیم و پایداری، به شناسایی ریسک‌ها، افزایش اعتماد عمومی، و بهبود تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران کمک می‌کند. دستورالعمل ۳۴/۲۰۱۳ اتحادیهٔ اروپا نیز تأکید دارد که ارائهٔ تصویر صادقانه از وضعیت شرکت نمی‌تواند محدود به اطلاعات مالی باشد و باید ابعاد اجتماعی و زیست‌محیطی را نیز پوشش دهد. فرانسه از کشورهای پیش‌رو در توسعهٔ گزارش‌دهی غیر مالی بوده و این روند در چارچوب اخلاقی‌سازی حقوق کسب‌وکار و هماهنگی با سیاست‌های زیست‌محیطی اتحادیهٔ اروپا توسعه یافته است (Mercier, 2015: 7–9).

تعهد به شفافیت در فرانسه بخشی از وظیفهٔ حرفه‌ای مدیران و در ارتباط با قاعدهٔ حسن نیت، رویهٔ قضایی دیوان عالی، و مقررات بازارهای مالی است. این تعهد جلوه‌ای از devoir de loyauté مدیران در قبال شرکت و سهامداران تلقی می‌شود. قانون تجارت فرانسه، به‌ویژه مواد L.225-102-1 و L.225-102-2، الزامات گزارش‌دهی غیر مالی را پیش‌بینی کرده و مواد L.225-86 به بعد نیز به افشای منافع مدیران در معاملات با شرکت توجه کرده است. تحولات اخیر و اجرای الزامات گزارش‌دهی پایداری اتحادیهٔ اروپا دامنهٔ این تعهد را به حوزه‌های زیست‌محیطی، اجتماعی، و راهبری گسترش داده است (Mercier, 2015: 8–9).

نهاد ناظر بازارهای مالی فرانسه[1] (AMF) نقش محوری در نظارت بر افشا دارد. این نهاد با کنترل گزارش‌های سالیانه و پایداری و اعمال ضمانت اجراهای اداری از یکپارچگی بازار حمایت می‌کند. مقررات اتحادیهٔ اروپا، از جمله CSRD و قواعد مرتبط با سوءاستفاده از بازار، دامنهٔ افشا و نظارت را گسترش داده‌اند. با این حال، هزینهٔ بالای رعایت الزامات و خطر گزارشگری نمادین از مهم‌ترین چالش‌های این نظام است.

در حقوق فرانسه، شرکت‌های سهامی عام مکلف به انتشار گزارش مدیریت و گزارش پایداری‌اند و این گزارش‌ها اطلاعات مالی، غیر مالی، و جزئیات مرتبط با پاداش مدیران را پوشش می‌دهند. این گزارش‌ها را باید حسابرسان مستقل بررسی کنند و

1. autorité des marchés financiers

نتایج در دسترس عموم قرار گیرند. علاوه بر الزامات قانونی، مدیران موظف‌اند اطلاعات مؤثر بر تصمیم‌گیری سهامداران، از جمله سهامداران اقلیت، را افشا کنند. رأی مهم ویلگرین مورخ ۲۷ فوریه ۱۹۹۶ پنهان کردن مذاکرات موازی دربارهٔ قیمت سهام را نقض devoir de loyauté دانست و مدیر را مسئول جبران خسارت شناخت (Gelter & Helleringer, 2015: 1075; Le Nabasque, 1999: 275). این رأی جایگاه شفافیت را از یک الزام شکلی فراتر برد و آن را با رابطهٔ امانی میان مدیر و شرکت یا سهامداران پیوند داد.

در رویهٔ قضایی اتحادیهٔ اروپا نیز به تعهد به شفافیت در پرونده‌های C-25/14 و C-26/14 در ارتباط با واگذاری مدیریت و تضمین رقابت توجه شده است. دیوان بر ضرورت وجود درجه‌ای مناسب از اطلاع‌رسانی عمومی و امکان کنترل بی‌طرفی فرایند انتخاب تأکید کرده است (Detienne & Maisin, 2018: 2). همچنین، محدود بودن مهلت اظهار نظر و نظارت صرفاً قانونی برای تحقق این اهداف کافی شناخته نشده است (Detienne & Maisin, 2018: 5). بر این اساس، اطلاع‌رسانی به‌موقع، تعیین معیارهای انتخاب، مستندسازی فرایند، و فراهم کردن امکان رقابت عناصر اساسی این تعهد به شمار می‌روند و در عین محدود کردن برخی جنبه‌های مذاکرهٔ جمعی از ایجاد انحصار پنهان و نقض اصل عدم تبعیض جلوگیری می‌کنند (Detienne & Maisin, 2018: 49).

تحقق شفافیت و پاسخگویی در شرکت‌ها: چارچوب نظری و نظام ضمانت اجرا

شفافیت شرکتی سه هدف اصلی دارد: فراهم کردن امکان نظارت ذی‌نفعان بر عملکرد مدیران، افشای اطلاعات مالی و غیر مالی، تقویت حکمرانی خوب از طریق سازکارهای کنترل و توازن (Salaouatchi & Tahri, 2005: 48). از این منظر، شفافیت صرفاً ارائهٔ گزارش‌های دوره‌ای نیست، بلکه فرایندی است که مدیران را به تبیین تصمیمات و پذیرش مسئولیت پیامدهای آن ملزم می‌کند. با این حال، در صورت ضعف ضمانت اجراها، ابهام در مسئولیت‌ها، و تعارضات مشروعیت شفافیت می‌تواند به گزارشگری نمادین تبدیل شود. بنابراین، طراحی مؤثر فرایندهای پاسخگویی و تعیین دقیق معیارهای ارزیابی ضروری است (Salaouatchi & Tahri, 2005: 56).

نظام ضمانت اجراهای تعهد به شفافیت در حقوق فرانسه ترکیبی از مسئولیت مدنی و کیفری و نظارت اداری است و هدف آن اجرای مؤثر وظیفهٔ وفاداری مدیران و حفظ اعتماد بازار است. موانع فنی، حقوقی، و سازمانی نیز می‌توانند اجرای پاسخگویی را محدود کنند؛ از جمله پیچیدگی فناوری‌ها، تعارض با اسرار تجاری، نبود فرایندهای مشخص، و مقاومت سازمانی (Borghi et al., 2024: 1-4). ازاین‌رو، عملیاتی کردن حق تبیین و پیوند آن با ساختارهای تصمیم‌گیری اهمیت می‌یابد.

در سطح مدنی، نقض الزامات شفافیت می‌تواند، به عنوان faute de gestion، موجب مسئولیت مدیر و جبران خسارت شود (مواد L.225-251 و Code de commerce L.225-90). در سطح کیفری، ارائهٔ اطلاعات نادرست یا پنهان کردن اطلاعات نهانی مشمول ضمانت اجراهای کیفری و مقررات بازار سوءاستفاده می‌شود. در سطح اداری نیز AMF، H2A، و حسابرسان قانونی بر رعایت الزامات نظارت دارند و نقض مقررات می‌تواند به جریمه، اصلاح گزارش، و محدودیت‌های مدیریتی بینجامد.

با وجود کارآمدی نسبی این نظام چندلایه، توسعهٔ الزامات CSRD هزینه‌های اداری قابل توجهی ایجاد کرده و نگرانی دربارهٔ گزارشگری نمادین را افزایش داده است. در مجموع، در حقوق فرانسه شفافیت دامنه‌ای فراتر از اطلاعات مالی یافته و اطلاعات اجتماعی، زیست‌محیطی، و پایداری را نیز در بر گرفته است. اتکای این نظام به نهاد ناظر مستقل و ضمانت اجراهای سریع‌تر اجرای کارکردهای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و تقویت وفاداری مدیران را در ارتباط با حقوق ایران مؤثرتر ساخته است.

تحلیل تطبیقی کارکردی تعهد به شفافیت در حقوق ایران و فرانسه

این پژوهش از روش تطبیقی- کارکردی بهره می‌گیرد و معیار مقایسه میزان کارآمدی دو نظام در تحقق اهداف مشترک، یعنی کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و تقویت مسئولیت امانی مدیران از طریق شفافیت، است. این ارزیابی در سه سطح هنجاری و ساختاری و اجرایی انجام می‌شود.

در سطح هنجاری، در حقوق ایران مبنای تعهد به شفافیت عمدتاً ضمنی و پراکنده و مبتنی بر اصول امانت‌داری و قواعد قانون تجارت است (شهنیایی و عسکری نجف‌آبادی، ۱۴۰۲: ۱۶۸). در مقابل، در فرانسه این مبنا از ترکیب حسن نیت و وظیفهٔ وفاداری و رویهٔ قضایی دیوان عالی، به‌ویژه رأی ویلگرین، شکل گرفته است. از منظر کارکردی، مبنای فرانسوی به دلیل الزام به رفتار وفادارانهٔ مستمر انسجام بیشتری دارد؛ هرچند پذیرش چنین مبنایی در نظامی که به ضمانت اجراهای کیفری گرایش بیشتری دارد ممکن است با چالش مواجه شود.

در سطح ساختاری، تعهد شفافیت در ایران عمدتاً مالی‌محور و حداقلی است و افشای اطلاعات غیر مالی هنوز فراگیر نیست. در فرانسه، دامنهٔ تعهد با اجرای مقررات گزارش‌دهی پایداری گسترده‌تر شده و حوزه‌های اجتماعی و زیست‌محیطی را نیز در بر گرفته است (مادهٔ L.225-102-1 قانون تجارت فرانسه). این توسعه می‌تواند عدم تقارن اطلاعاتی را بیشتر کاهش دهد، اما هزینه‌های رعایت مقررات و خطر افشای اسرار تجاری از محدودیت‌های آن است (Kessler, 2001; Delaunay, 2018). بنابراین، برای ایران رویکردی تدریجی و متناسب با اندازه و ظرفیت شرکت‌ها مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

در سطح اجرایی، حقوق ایران تا حد زیادی بر ضمانت اجراهای کیفری تکیه دارد. اما دشواری اجرای این ضمانت‌ها کارایی آن‌ها را کاهش داده است (عزیززاده و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۶۲). در فرانسه، مسئولیت مدنی و جریمه‌های اداری AMF نقش پیشگیرانه و بازدارندهٔ بیشتری دارند. از نظر نهادی نیز استقلال و تخصص نهاد ناظر فرانسوی در مقایسه با ساختار ایران مزیت مهمی محسوب می‌شود.

در مجموع، فرانسه با استفاده از مقررات اتحادیهٔ اروپا و نظارت مستقل به چارچوبی منسجم‌تر برای شفافیت دست یافته است؛ با این حال، انتقال مستقیم این مدل به ایران ممکن است به دلیل تفاوت‌های نهادی و اقتصادی و فرهنگی نتیجهٔ مطلوبی نداشته باشد. ازاین‌رو، اقتباس باید گزینشی و مبتنی بر بومی‌سازی باشد. در این چارچوب، پیش‌بینی ماده‌ای مستقل دربارهٔ تعهد مدیران به شفافیت، توسعهٔ تدریجی گزارش‌دهی غیر مالی، و تقویت استقلال نهاد ناظر می‌تواند از مهم‌ترین محورهای اصلاحی باشد.

در حقوق ایران، نبود یک مادهٔ قانونی جامع مرز اطلاعات قابل افشا و اطلاعات محرمانه را نیز مبهم کرده است. نبود تعریف واحد از «اطلاعات مهم»، عدم انطباق کامل با برخی استانداردهای بین‌المللی، و ضعف اجرای ضمانت اجراها از چالش‌های اصلی به شمار می‌روند (تقی‌پور و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۵؛ شهنیایی و عسکری نجف‌آبادی، ۱۴۰۲: ۱۷۸). تأخیرهای قضایی، محدودیت تخصصی، و ضعف مشارکت سهامداران اقلیت نیز به کاهش اثربخشی پاسخ حقوقی منجر شده‌اند (عزیززاده و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۶۲ و ۲۶۸). از نظر نهادی، هم‌زمانی نقش‌های مختلف سازمان بورس نیز می‌تواند زمینهٔ تعارض منافع را ایجاد کند.

در حقوق فرانسه، چالش اصلی برقراری تعادل میان گسترش دامنهٔ شفافیت و حفظ محرمانگی تجاری است. افشای بیش از اندازه می‌تواند هزینه‌های اداری و خطر گزارشگری نمادین را افزایش دهد (Kessler, 2001; Delaunay, 2018). در نتیجه، درحالی‌که مشکلات ایران عمدتاً در سطح ساختار حقوقی و نهادی متمرکز است، چالش‌های فرانسه بیشتر ماهیت هزینه‌ای و کارکردی دارند. این تفاوت نشان می‌دهد که بهره‌گیری از الگوی فرانسوی باید با توجه دقیق به شرایط بومی و ظرفیت‌های نهادی ایران صورت گیرد.

نتیجه

این پژوهش با هدف مقایسهٔ تطبیقی کارکردی تعهد مدیران به شفافیت در حقوق ایران و فرانسه و ارزیابی امکان بهره‌گیری از الگوی فرانسوی‌ـ اروپایی برای تقویت نظام حقوقی ایران انجام شد. یافته‌های تحقیق نشان داد دو نظام حقوقی از نظر مبانی هنجاری، دامنهٔ افشا، و نظام ضمانت اجراها تفاوت‌های معناداری دارند و هر یک با چالش‌های ساختاری خاص خود مواجه‌اند. در حقوق ایران، تعهد به شفافیت فاقد مبنای قانونی مستقل و منسجم است و عمدتاً به صورت پراکنده در لایحهٔ اصلاحی ۱۳۴۷ و مقررات سازمان بورس پیش‌بینی شده است. این پراکندگی همراه ضعف اجرای ضمانت اجراها و نبود نهاد ناظر مستقل مانع تحقق کارکردهای مورد انتظار نظریهٔ نمایندگی و مسئولیت امانی شده است. در مقابل، حقوق فرانسه با تکیه بر قاعدهٔ حسن نیت، رویهٔ قضایی قوی (به‌ویژه رأی Vilgrain)، و نهاد ناظر مستقل AMF شفافیت را به عنوان بخشی از تعهد به وفاداری مدیران

نهادینه کرده و دامنهٔ آن را با تأثیر دستورالعمل CSRD به گزارشگری پایداری گسترش داده است. اگرچه این گسترش با چالش‌هایی مانند هزینه‌های تبعیت از مقررات و خطر گزارشگری نمادین همراه بوده، از نظر کارکردی، نظام فرانسه در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و ایجاد بازدارندگی مؤثرتر عمل کرده است.

نتایج این پژوهش حاکی از آن است که الگوی فرانسوی‌ـ اروپایی می‌تواند الهام‌بخش اصلاحات در ایران باشد، مشروط بر آنکه انتقال نهادهای حقوقی با توجه به شرایط بومی، ظرفیت نهادی، و فرهنگ حقوقی کشور انجام شود. پیشنهاد می‌شود ایران با تدوین مادهٔ قانونی مستقل برای «تعهد به شفافیت مدیران»، الزامی کردن مرحله‌ای گزارشگری غیر مالی برای شرکت‌های بزرگ، و تقویت استقلال نهاد ناظر گام‌های مؤثری در جهت ارتقای حاکمیت شرکتی بردارد. با این حال، هر گونه اصلاح باید با در نظر گرفتن محدودیت‌های این پژوهش، از جمله تمرکز بر دو نظام حقوقی خاص و عدم بررسی تجربهٔ سایر کشورها، انجام شود و مطالعات آینده می‌توانند به تحلیل تطبیقی گسترده‌تر با کشورهای دیگر یا بررسی تجربی تأثیر اصلاحات پیشنهادی بر عملکرد شرکت‌های ایرانی بپردازند. شفافیت در نهایت نه صرفاً یک الزام قانونی، بلکه پیش‌نیاز اعتماد سرمایه‌گذاران، جذب سرمایهٔ پایدار، و کارآمدی نظام راهبری شرکت‌ها در اقتصاد معاصر است.

منابع

عسگرپور، رسول و ابوطالبی، حمید (۱۴۰۲). تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی شرکت‌ها از طریق متغیر واسطه‌ای شفافیت با استفاده از روش فراتحلیل. *مدیریت دارایی و تأمین مالی*، ۱۲(۱)، ۱۱۱–۱۲۴.

عزیززاده، مبین و رضایی، حجت (۱۴۰۲). بررسی چالش‌ها و موانع دسترسی به اطلاعات شرکت‌های تجاری توسط ذی‌نفعان. *مجلس و راهبرد*، ۳۰(۱۱۳)، ۲۵۳–۲۸۷.

پاپی، حسین و نیک‌نژاد، جواد (۱۴۰۰). حقوق اقلیت و اقامهٔ دعوی از سوی سهامداران شرکت در شرکت‌های سهامی عام بر مبنای نظام ادارهٔ شرکت‌ها در حقوق ایران و فرانسه با تأکید بر اصول اخلاق. *اخلاق زیستی*، ۱۱(۱)، ۳۳۱–۳۴۵.

تقی‌پور، بهرام؛ صالحی‌فر، علی‌رضا و سیاری، رئوف (۱۴۰۱). مبانی تعهد به افشای اطلاعات شرکت‌های بورسی در حقوق ایران، امریکا و انگلستان. *تحقیقات حقوقی بین‌المللی*، ۱۵(۵۷)، ۶۱–۷۷.

زحمت‌کش، زینب؛ شهرستانی، سهیلا و وحیدی‌مقدم، لیلا (۱۴۰۲). بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر سطح افشای گزارشگری پایداری شرکت‌ها. *چشم‌انداز حسابداری و مدیریت*، ۱۶(۵۵)، ۴۵–۶۲.

سکوتی، فیروز؛ اسدی‌نژاد، سید محمد و ایمان‌پور، اکبر (۱۴۰۵). شفافیت مالکیت مؤثر شرکت‌های تجاری در حقوق ایران و امریکا. *بررسی‌های حقوق اقتصادی و تجاری*، ۱۰(۴)، ۲۴–۴۴.

شهبازی، لاله و مالمیری، شمس (۱۴۰۱). شفافیت اقتصادی در پرتو حاکمیت قانون با تأکید بر مادهٔ ۶۰ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی. *مطالعات کمی در مدیریت*، ۱۳(۴۸)، ۱۷۷–۲۰۳.

شهنیایی، احمد و عسکری نجف‌آبادی، علی (۱۴۰۲). مسئولیت امانی مدیران در زمینهٔ اطلاعات مالی شرکت. *تحقیقات حقوقی*، ۲۰(۱)، ۱۶۷–۱۷۹.

References

Asgarpour, R., & Aboutalebi, H. (2023). The Impact of Corporate Governance on Financial Performance of Companies through the Mediating Variable of Transparency Using Meta-Analysis Method. *Asset Management and Financing*, *12*(1), 111–124. (in Persian)

Azizzadeh, M., & Rezaei, H. (2023). Investigating the Challenges and Barriers of Access to the Information of Commercial Companies by Stakeholders. *Parliament and Strategy*, *30*(113), 253–287. (in Persian)

Borghi, V., Delaunay, J., & Dujardin, A. (2024). De la transparence à l'explicabilité automatisée des algorithmes : comprendre les obstacles informatiques, juridiques et organisationnels. *Rapport de recherche INRIA*, (9535), 1–120.

Delaunay, B. (2018). La transparence de la vie économique. *Les nouveaux Cahiers du Conseil constitutionnel*, *59*(2), 23–34.

Detienne, Q., & Maisin, F. (2018). Sélection par les partenaires sociaux d'un organisme de pension sectoriel : l'obligation de transparence européenne et l'exercice de la négociation collective. Les voies de la conciliation. *Revue de droit de l'Université de Liège*, (2), 203–252.

Fleischer, H. (2005). Legal Transplants in European Company Law – The Case of Fiduciary Duties. *European Company and Financial Law Review*, *2*(3), 378–408.

Gelter, M., & Helleringer, G. (2015). Lift Not the Painted Veil! To Whom Are Directors' Duties Really Owed? *University of Illinois Law Review*, *2015*(3), 1069–1120.

Jensen, M. C., & Meckling, W. H. (1976). Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Costs and Ownership Structure. *Journal of Financial Economics*, *3*(4), 305–360.

Kessler, D. (2001). L'entreprise entre transparence et secret. *Pouvoirs*, *97*(2), 33–46.

Le Nabasque, H. (1999). Le développement du devoir de loyauté en droit des sociétés. *RTD Comm.*, 273–290.

Mercier, V. (2015). L'obligation de transparence ou la pierre angulaire de la responsabilité sociétale des entreprises. In *La RSE saisie par le droit* (p. 7). Paris: Éditions Pedone.

Mercier, V. (2018). De la transparence à la vigilance ou le renforcement des obligations en matière de RSE. In *RSE & Médiation – Regard croisé France-Canada*. Aix-Marseille: Presses Universitaires d'Aix-Marseille (PUAM).

Papi, H., & Niknezhad, J. (2021). Minority Rights and Shareholder Litigation in Public Joint Stock Companies Based on Corporate Governance System in Iranian and French Law with Emphasis on Ethical Principles. *Journal of Bioethics*, *11*(1), 331–345. (in Persian)

Pras, B., & Zarlowski, P. (2013). Obligation de rendre des comptes. Enjeux de légitimité et d'efficacité. *Revue française de gestion*, *39*(237), 13–32.

Salaouatchi, H. S., & Tahri, E. (2005). L'obligation de rendre des comptes : enjeux de transparence et de bonne gouvernance. *Revue des Sciences Commerciales*, *4*(2), 45–60.

Shahbazi, L., & Malmiri, Sh. (2022). Economic Transparency in Light of Rule of Law with Emphasis on Article 60 of the Law on Implementation of General Policies of Principle 44 of the Constitution. *Quantitative Studies in Management*, *13*(48), 177–203. (in Persian)

Shahniai, A., & Askari Najafabadi, A. (2023). Fiduciary Duty of Managers in the Field of Financial Information of Companies. *Journal of Legal Research*, *20*(1), 167–179. (in Persian)

Sokouti, F., Asadinezhad, S. M., & Imanpour, A. (2026). Transparency of Effective Ownership of Commercial Companies in Iranian and American Law. *Economic and Commercial Law Review*, *10*(4), 24–44. (in Persian)

Taghipour, B., Salehifar, A., & Siari, R. (2022). Foundations of Obligation to Disclose Information of Listed Companies in Iranian, American and English Law. *International Legal Research*, *15*(57), 61–77. (in Persian)

Zahmatkesh, Z., Shahrestani, S., & Vahidi Moghadam, L. (2023). Investigating the Impact of Management Ability on the Level of Sustainability Reporting Disclosure of Companies. *Accounting and Management Perspective*, *16*(55), 45–62. (in Persian)